

بررسی وضعیت تولید ملی در رژیم پهلوی از منظر کارشناسان تاریخ انقلاب اسلامی

سعید محمدخانی^۱
علی اکبر کجیاباف^{۲*}
مرتضی دهقان نژاد^۳

چکیده

هدف: این مقاله به دنبال بررسی وضعیت تولید ملی در دوره پهلوی دوم است به عنوان فرضیه چنین به نظر می‌رسد که رژیم پهلوی ارزش چندانی برای تولید ملی و حمایت از کالای داخلی قائل نبود و همواره با تأکید بر درآمدهای نفتی و سیاست درهای باز، واردات کالاها را در دستور کار قرار می‌داد و همین امر، تخریب کننده جریان تولید ملی در ایران می‌شد.

روش‌شناسی پژوهش: از این منظر، مقاله حاضر با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و روش پرسشنامه‌ای تلاش دارد به این سؤال پاسخ دهد؛ آسیب‌های پیشروی تولید ملی در زمان رژیم پهلوی کدامند و چه تأثیری بر روند اقتصاد ایران داشته‌اند؟ برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS بهره گرفته می‌شود.

یافته‌ها: مفروض مقاله این است که رژیم پهلوی بر واردات محصولات اقتصادی تأکید بیشتری از تولید داخلی داشته است و درآمدهای نفتی بر این مسئله تأثیر زیادی داشته‌اند.

نتیجه‌گیری: به هر حال، عواملی همچون؛ اعطای معافیت‌های گمرکی، دخالت‌های دولت در امور اقتصادی، وابستگی اقتصاد به کالاهای خارجی، واردات محصولات زراعی، صنعت وابسته، عدم حمایت از تولیدگران داخلی و ساختارهای اقتصادی فاقد کارآمدی باعث تخریب وجوه تولید در دوران پهلوی شده است.

کلیدواژه‌ها: تولید ملی، محصولات داخلی ایران، رژیم پهلوی، وابستگی اقتصادی، محصولات زراعی، ساختارهای اقتصادی، معافیت گمرکی، صنایع وابسته.

Email: s_erfan_1982@yahoo.com

۱- دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی

Email: aliakbarbaf@yahoo.co.uk

۲- استاد دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

Email: mdehghannejad@yahoo.com

۳- استاد دانشگاه اصفهان

مقدمه

در فرایند اقتصاد ملی، سرمایه در به حرکت در آوردن چرخ تولید حائز اهمیت است و در این مسیر، کارآفرینی به عنوان نیروی محرکه تولید مطرح می‌شود. در این فرایند نیز نقش نظارت، استاندارد سازی و مهار قاچاق کالا در پیشبرد تولید ملی تأکید می‌گردد و مدیریت کردن صحیح واردات، برداشتن موانع عمده صادرات و نقش آنها در تقویت کار، سرمایه و تولیدات داخلی لازم و ضروری است (اسحاقی، ۱۳۹۱: ۴۷-۴۶). این در حالی است که رژیم پهلوی اول و دوم توجه چندانی به تولید کالای داخلی نداشتند و عموماً متکی بر کالاهای وارداتی بودند و همین مسئله، آفت اقتصاد ملی ایران محسوب می‌گشت و دستاورد این روحیه، اضمحلال جریان تولید ملی به عنوان یک مقوله استراتژیک و مهم در بعد ملی است.

شاهان پهلوی تلاش داشتند که ایران را به کشورهای اروپایی نزدیک کنند و در این راستا، افزایش چشمگیر بهای نفت برگ برنده حکومت بود تا به سوی آرمان‌های پیش‌بینی شده حرکت کند؛ به این ترتیب، بسیاری از صنایع به کشور وارد شدند و در همین راستا ایران می‌توانست از تأمین‌کنندگان مهم منابع اقتصادی کشورهای غربی باشد و با این رویکرد، رفت‌وآمدهای سیاسی و اقتصادی نمایندگان این کشورها به ایران افزایش یافت (وشمه و دیگران، ۱۳۹۶: ۶۷). در زمان رژیم پهلوی، توسعه اقتصادی مبتنی بر واردات کالاهای تجاری و اقتصادی به کشور بود و تلاش زیادی برای رونق تولید داخلی انجام نگردید. حتی برخی از سیاست‌های اشتباه اقتصادی منجر به وابستگی ایران در عرصه‌های کشاورزی، صنایع، بهداشتی، نظامی و ... شد. عملکرد پهلوی نشان می‌دهد که تمرکز بر واردات کالاهای خارجی با نرخ پائین تعرفه‌های گمرکی، منجر به کاهش توان تولیدکنندگان داخلی ایران شده بود و همین امر منجر به عدم توانایی تجار ایرانی برای رقابت با کالاهای خارجی می‌گردید.

به نظر برخی از پژوهشگران تاریخ اقتصادی ایران در این سال‌ها کارخانه‌های تولید کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و هزینه بر یکی پس از دیگری تأسیس شدند و این کارخانه‌ها، نیروهای متخصص شهری و دانشگاهی و غیر متخصص روستایی را جذب کرد. ویژگی مهم این نوع از صنعت، وابستگی همه جانبه آنها به خارج بود (پرخیده، ۱۳۹۱: ۳۰).

به همین منظور، مقاله حاضر تلاش دارد تا وضعیت اسفناک کالای ایرانی را در رژیم پهلوی مورد بررسی قرار دهد و سؤال اصلی به این قرار است؛ سیاست و رفتارهای اقتصادی رژیم پهلوی در خصوص تولید کالاها و محصولات داخلی چگونه بوده است؟ برای پاسخ به این سؤالات از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی بهره گرفته می‌شود و به منظور سنجش یافته‌های مقاله از شیوه پرسشنامه‌ای استفاده می‌شود و یافته‌ها توسط کاشناسان تاریخ انقلاب اسلامی مورد سنجش قرار می‌گیرند تا صحت و سقم یافته‌ها مشخص گردد.

تولید ملی؛ نگاهی تاریخی - اقتصادی

نگاهی به تاریخ نشان می‌دهد که هیچ نظام اقتصادی سامان نیافته است، مگر آنکه رشد اقتصادی و آبادانی تمام بخش‌های آن، از اهدافش بوده است. رشد اقتصادی، هدف مقدماتی برای رفاه عمومی و ابزاری برای

رسیدن به آن است. تولید و پیشرفت اقتصادی جزئی از فلسفه‌ی وجودی انسان است، چرا که به بار نشستن مواهب پیش نیاز تکامل معنوی و الهی انسان به‌شمار می‌رود. قیام و استواری جامعه در بخش‌های وسیعی از آن به اقتصاد باز می‌گردد، بنابراین داشتن اقتصادی شکوفا و تولید ملی زمینه‌ای جهت قوام و تحکیم جامعه به‌شمار می‌رود (مردانی، ۱۳۹۲: ۱۷۳-۱۷۰). تولید ملی^۱ یا محصول ملی به ارزش پولی همه‌ی کالاها و خدماتی که در دوره‌ی معینی، معمولاً یک سال، در کشوری تولید شده، گفته می‌شود. درآمد ملی به ارزش پولی تمامی درآمدهایی که در دوره‌ی معینی در کشوری، در جریان تولید کسب شده، گفته می‌شود. تولید ملی را بسته به اینکه هزینه‌های تولید از آن کم شده یا نه می‌توان به دو زیرشاخه تقسیم نمود؛ تولید خالص ملی و تولید ناخالص ملی (فلاح، ۱۳۹۱: ۱۰). در مسیر فعالیت‌های تولیدی، ارجحیت کالاهای داخلی بر نمونه‌های خارجی و همچنین حمایت از تولیدات داخل به همراه سرمایه‌گذاری داخلی باعث شکوفایی اقتصاد ملی می‌شود (حیدری و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۶). براساس گفتمان اسلامی، تولید ملی را می‌توان ترجمان قاعده نفی سبیل در حوزه اقتصاد در نظر گرفت که به‌وجود آورنده استقلال اقتصادی خواهد بود (بیت‌اللهی، ۱۳۹۵: ۹). فرایند تولید ملی نیازمند توجه به فضای امن برای فعالیت اقتصادی، تسهیل در ایجاد صنایع تولیدی، کنترل و بررسی بازار (عرضه و تقاضا)، بروزرسانی نظام صنایع تولیدی، بازاریابی، یارانه‌های صنعتی و نقش حمایتی دولت و ... است (علوی، ۱۳۹۱: ۱۱۲-۸۱).

زمانی که در سیاست اقتصادی بر تولید ملی و حمایت از تولیدکنندگان ملی تأکید می‌شود، ضمن توجه به مزیت رقابتی در عرصه تولید، به مسئله توازن صادرات و واردات توجه می‌شود تا این روند به ضرر و آسیب تولید کالاهای داخلی نشود (مجموعه نویسندگان، ۱۳۹۶: ۳۷-۳۱). ارتقاء تولید ملی نیازمند کارآفرینی در سطوح مختلف اقتصادی است و ارتقاء این مسئله، سطح اشتغال ملی را افزایش می‌دهد. از این رو، روند تولید داخلی باید در برنامه‌های اقتصادی و سیاست‌های کلی نظام مورد توجه مسئولان اقتصادی قرار بگیرد (علی‌آبادی و قلندر، ۱۳۹۷: ۳۴-۳۱). البته نباید نادیده گرفت که تولید ملی صرفاً مقوله‌ای اقتصادی نیست بلکه لازمه توجه به این مسئله، برنامه‌ریزی فرهنگی و تقویت راهبردهای تقویت تولید ملی و محصولات داخلی در عرصه اقتصاد است. بنابراین، تقویت جریان تولید ملی نیازمند تعامل فرهنگ، اقتصاد و سرمایه مادی و معنوی است (اداره تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۱: ۲۳-۱۴). قوه مجریه برای حمایت از تولید ملی باید روند نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی (تجارت، صنایع، کنترل قیمت‌ها، مدیریت بحران‌های اقتصادی و...) را افزایش دهد و از این طریق می‌تواند کالای داخلی را در برابر آسیب‌ها حفاظت نماید (تقی‌زاده، ۱۳۹۶: ۷۳-۵۸). روند نظارتی و فعالیت حمایتی دولت از تولید کالای داخلی و فعالیت‌های تولیدی نشان دهنده این مسئله است که تولید ملی نیازمند قوانین و مقرراتی است که از آنها به‌عنوان «قوانین و مقررات حمایت از ساخت و تولید داخلی» یاد می‌شود (قره‌داغی و هاشم‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۵).

بررسی وضعیت اقتصادی رژیم پهلوی در حوزه تولید محصولات داخلی

عملکرد اقتصادی رژیم پهلوی در حوزه اقتصادی و روند تولید کالاهای داخلی و محصولات ملی دارای شاخصه‌هایی به قرار زیر است:

اعطای معافیت‌های گمرکی

اعطای معافیت‌های گمرکی برای برخی از کالاهای خارجی (مجموعه نویسندگان، ۱۳۹۰: ۲۰۰)، آسیبی جدی برای تولیدات داخلی محسوب می‌شد. در عین حال، مشکلات ارزش‌گذاری تجارت خارجی، در تفسیر آمارهای رژیم پهلوی بروز داشتند. به این معنا که، تاجران برای این‌که از پرداخت عوارض گمرکی و از مقررات تجارت و مبادله بگریزند، ارزش کالاهای خود را کمتر گزارش کنند (نوشیروانی، ۱۳۸۹: ۱۵۲)؛ و از این طریق، مقادیر زیادی واردات با هزینه اندک وارد کشور می‌کردند که تولیدکننده داخلی توانایی رقابت با این کالاها را نداشت. معافیت نزدیکان خاندان پهلوی در وارد کردن اجناس مختلف به کشور منجر به کاهش توان تولیدکنندگان داخلی و ایجاد رانت‌های اقتصادی کمرشکن برای کالاهای ایرانی می‌گشت.

در نقطه مقابل، برخی از کشورها از تخفیف یا معافیت گمرکی برخوردار بودند و می‌توانستند کالاهایی با مالیات گمرکی پایین صادر نمایند ولی خیلی از کالاهای صادراتی ایران با عوارض گمرکی بالا و مالیات سنگین وارد کشورهای هم‌پیمان اقتصادی ایران می‌شدند (نک: چگینی، ۱۳۹۶: ۱۵۴). علاوه بر این، مفاد و آئین‌نامه‌های گمرکی با توجه به مقتضیات اقتصادی و نیازهای رژیم پهلوی، تغییراتی پیدا می‌کرد (گمرک جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹: ۵). به هر حال، معافیت برخی از شرکت‌ها و کشورها در وارد کردن محصولاتشان به کشور ایران باعث تضعیف تولیدکنندگان داخلی می‌شد و عوارض مالیاتی و گمرکی سنگین در برابر کالاهای داخلی ایران نظیر فرش و قالی، باعث می‌گردید که تولید ملی نتواند توانایی لازم برای رقابت با محصولات خارجی را داشته باشد.

اتخاذ رویکرد «سیاست درهای باز وارداتی» با معافیت‌های گمرکی و یا اخذ مالیات‌های اندک یکی از عوامل فروپاشی تولیدی‌های کوچک در زمان رژیم پهلوی بوده است. اولین تأثیر رشد درآمدهای نفتی تغییر ارقام بودجه پیش‌بینی شده در برنامه پنجم توسعه بود. در حالی که اعتبارات پیش‌بینی شده این برنامه ۳۳۳۴ میلیارد ریال بود. با افزایش درآمد نفت به رقم ۸۲۹۶ میلیارد ریال افزایش یافت. افزایش درآمدهای نفتی موجب شد تا حکومت وقت به سیاست درهای باز وارداتی روی آورده و ظرف مدت کوتاهی با پشتوانه ارزی حاصل از صدور نفت، انواع و اقسام کالاهای ساخت خارج با قیمت نازل وارد کشور شده و همان صنایع اندک ایجاد شده در مرز نابودی قرار بگیرند (یزدانی و نیکمرام، ۱۳۹۰: ۱۹۶)

دخالت‌های شاه و نزدیکان وی در امور اقتصادی و عدم امنیت تولیدکنندگان

فقدان رقابت سیاسی در رژیم پهلوی به سرعت به شکل‌گیری انحصارات و تخصیص امتیازات اقتصادی بر مبنای روابط سیاسی منجر گردید، به نحوی که پیشبرد هیچ پروژه بزرگی بدون جلب موافقت و احتمالاً مشارکت رده‌های بالای نظام سیاسی میسر نبود. تمرکز بیش از حد قدرت و نبود آزادی‌های سیاسی موجب

افتِ کارایی دستگاه‌های اقتصادی و اداری گردید. در حالی که می‌بایست از مالیات و سایر منابع مالی غیرنفتی برای تأمین هزینه‌های عمومی دولت استفاده می‌شد، در ایران به‌ویژه به دلیل افزایش درآمدهای نفتی دولت هزینه برنامه‌های نظامی، نوسازی، توسعه و دیوانسالاری را از درآمدهای نفتی تأمین می‌کرد. این امر به استقلال بیشتر دولت از طبقات اجتماعی در ایران کمک کرد (نیکفر و علی‌یاری، ۱۳۹۶: ۲۱۴). لاجرم، مشکل اصلی جامعه ایران و بالطبع اقتصاد را استبداد تشکیل می‌داد. شاه به هر کس می‌خواست می‌بخشید و از هر کس می‌خواست سلب مالکیت می‌کرد. بنابراین فقدان امنیت جانی و مالی و عدم تضمین کافی حقوق مالکیت مانع جدی در مسیر رونق اقتصادی، تجمع ثروت، ابداع، نوآوری و گسترش تولیدات صنعتی گردید. منابع عظیم رانتی در دهه ۵۰ چنان قدرتی به شاه داده بود که به آسانی و از طریق توزیع فرصت‌های رانتی برای جلب حمایت نخبگان و دولتمردان همفکر خود و در نتیجه ثبات بیشتر حکومت از آن استفاده می‌کرد. بررسی‌های تاریخی اقتصاد در دوران پهلوی نشان می‌دهد که دولت فاقد مدیریت و نظم ساختاری برای پیشبرد روند توسعه و ایجاد نهادهای مورد نیاز توسعه بود. ساخت اقتداری رژیم شاه حضور گروه‌ها و افراد سودجو و منفعت طلب در قدرت، عمل کردن در جهت طبقات ماقبل سرمایه‌داری، اقتدار و دیکتاتوری شخصی، عدم نهادسازی مناسب در جهت توسعه و در نتیجه اصلاحات ارضی ناقص از جمله مواردی است که نشان‌دهنده عدم وجود اراده کافی برای پیشبرد توسعه اقتصاد ملی و رونق تولیدات داخلی در دولت پهلوی است. به‌طور کلی سه ویژگی استبداد، فساد سیاسی و اداری و دخیل بودن ملاحظات سیاسی و رویاهای بلند پروازانه در برنامه‌های اقتصادی و عدم استقلال نهادهای اقتصادی و برنامه‌ریزی، کنترل کامل بخش خصوصی از یک طرف و شیوع فساد مالی و استفاده از اموال عمومی در جهت منافع شخصی، گسترش رانت اقتصادی در میان درباریان و اعطای مناصب اداری و پروژه‌ها و امتیازات اقتصادی از طرف دیگر هرگونه مجالی را برای توسعه کالاهای داخلی از بین می‌برد. به مجموعه این عوامل می‌توان دخالت‌های گاه و بی‌گاه شاه در برنامه‌های توسعه را که ناشی از رویاهای بلند پروازانه وی و توهم حرکت به سوی دروازه‌های تمدن بزرگ بود، افزود (پرخیده، ۱۳۹۱: ۳۱).

به عبارت دیگر، علل بحران‌های اقتصادی در جوامعی چون ایران قبل از انقلاب تنها به دخالت‌های استعماری محدود نمی‌شد؛ چرا که نفوذ و دخالت بیگانگان بدون وجود زمینه‌های داخلی ناممکن و یا دشوار است. هم ساختار پدرسالاری رژیم پهلوی که روابط قدرت را به شکل عمودی تعیین می‌کرد و هم ساختار افقی قدرت بین نخبگان و عوامل سیاسی و اقتصادی مانع از رشد و توسعه یک اقتصاد ملی و شکوفا بود. از همین رو حتی اگر شاه و عوامل سیاسی او قصد ایجاد رشد و توسعه در نهادهای اقتصادی و خروج از بحران‌های سیاسی و اقتصادی را داشتند، این موضوع تحت‌الشعاع ساختار قدرت قرار می‌گرفت. بحران‌های ناشی از اصلاحات ارضی، استقراض خارجی، بیکاری، تشتت سیاست‌های تجاری، رقابت‌های سیاسی نخبگان، ناهماهنگی سازمان‌ها و وزارتخانه‌های حوزه اقتصاد و تجارت، عدم سرمایه‌گذاری خصوصی و... سرانجام باعث شد که رژیم شاه به تأسیس وزارت اقتصاد در سال ۱۳۴۱ شمسی با وزارت علینقی عالیخانی مبادرت کند. این اقدام نه تنها مؤسسه‌های اقتصادی دولتی و خصوصی را متأثر می‌ساخت بلکه بر قدرت

سیاسی و اقتصادی درباریان و دیوانسالاران رژیم پهلوی نیز تأثیر مستقیم داشت. از همین رو با قدرت گرفتن وزارت اقتصاد و ایجاد یک نهاد قدرتمند بروکراتیک در امر سیاستگذاری صنعتی و تجاری، به محض بهبود یافتن ترازهای مالی دولت و افزایش درآمدهای نفتی، شاه زمینه‌های استعفا علی‌حالی و سپس انحلال وزارت اقتصاد را فراهم ساخت. بدین ترتیب نظام سیاسی دوران پهلوی نشان داد که حتی شکوفایی اقتصاد ملی تحت‌الشعاع خدمت به علایق سیاسی حکومت پدرسالارانه شاه و خاندان و خادمان او است (شمسینی غیاثوند، ۱۳۸۲).

وابستگی شدید اقتصاد کشور به کالاهای سطحی و پیش افتاده خارجی

افزایش واردات به منظور پاسخ به تقاضاهای روزافزون و در نتیجه تغییر الگوی مصرف و عادت دادن مردم به استفاده از کالاهایی که امکان تولید آن در کشور موجود نبود کل زندگی اقتصادی، اجتماع و فرهنگی ایران را با انحصارات غربی پیوند داد تا آنجا که نه تنها برای به حرکت در آوردن چرخ صنایع بلکه برای هرگونه فعالیتی اعم از تولیدی و خدماتی، نیازها از طریق واردات تأمین می‌شد. اخبار و رویدادهای بر جای مانده از رژیم شاه شدت این وابستگی را به خوبی نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال کارخانه ارج با هشت هزار کارگر در سال ۱۳۵۶ به علت نداشتن پیچ متوقف می‌شود. در این مورد همچنین می‌توان به خبر یکی از روزنامه‌های آن زمان (رستاخیز) در تاریخ تیرماه ۱۳۵۷ اشاره کرد. در این خبر آمده است که «متأسفانه در وضع کنونی باید مرغ را با قیمت گزاف برای تولید تخم مرغ جوجه‌کشی از خارج وارد کنیم. مرغ مادر گوشتی را در شرایط کنونی نمی‌توانیم در ایران تولید کنیم. برای تغذیه این مرغ‌ها ۷۰ درصد غذای طیور را باید از خارج از کشور وارد کنیم». این خبر یک نمونه بارز از وابستگی تکنولوژیکی به تولید خارجی است. در سال ۱۳۵۴ مبلغ زیادی جریمه به کشتی‌هایی پرداخت شد که در خلیج فارس به علت عدم وجود امکانات و تجهیزات تخلیه بار در انتظار باراندازی مانده بودند (پرخیده، ۱۳۹۱: ۳۱). در جدول زیر، وسعت دامنه واردات ایران و ورنه سعودی آن در رژیم پهلوی نمایش داده شده است.

جدول ۱: رشد واردات ایران در فاصله سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۵۷

سال (هجری شمسی)	صادرات نفت		صادرات (به استثنای نفت)		واردات مستثنی شده		کل واردات	
	ارزش	وزن	ارزش	وزن	ارزش به ریال	وزن به هزار تن	ارزش به ریال	وزن به هزار تن
۱۳۰۰	۳۲۹	۱/۹۹۵	۲۰۷	۸۳	۵۷۰	-	۵۷۰	۱۷۸
۱۳۰۵	۵۹۹	۴/۱۰۰	۴۷۶	۲۰۲	۷۷۷	-	۷۷۷	۳۰۰
۱۳۱۰	۹۸۸	۵/۱۱۰	۵۲۷	۱۸۸	۶۷۶	۱۹۳	۶۷۶	۲۴۸
۱۳۱۵	۵۷۷/۱	۸/۱۱۹	۶۸۰	۲۴۴	۱/۱۶۶	۴۲۳	۱/۱۶۶	۶۰۰
۱۳۲۰	۱/۹۳۶	۶/۹۶۸	۷۷۹	۱۳۲	۱/۴۰۱	۲۳۴	۱/۴۰۱	۳۷۴
۱۳۲۵	۷/۸۸۵	۱۶/۹۳۳	۲/۲۲۱	۱۷۰	۴/۹۹۱	۲۲۰	۴/۹۹۱	۷۱۰
۱۳۳۰	۹/۶۷۹	۱۳/۴۶۳	۴/۵۹۵	۲۷۸	۶/۵۷۷	۳۶۳	۶/۵۷۷	۴۴۰
۱۳۳۵	۱۴/۸۷۱	۲۳/۲۵۵	۸/۱۰۶	۴۶۹	۲۳/۲۳۶	۷۰۹	۲۳/۲۳۶	۹۴۰
۱۳۴۰	۵۶/۸۹۶	۵۲/۱۵۰	۸/۸۵۲	۵۲۹	۴۷/۲۴۵	۱/۲۷۳	۴۷/۲۴۵	۱/۶۵۱
۱۳۴۵	۱۰۴/۹۱۲	۱۰۴/۷۷۵	۱۳/۰۰۲	۸۳۱	۷۶/۸۷۱	-	۷۶/۸۷۱	۲/۲۹۶
۱۳۵۰	۱۹۶/۵۳۶	۱۹۲/۴۸۹	۲۷/۰۴۸	۲/۰۸۰	۱۵۹/۸۵۶	-	۱۵۹/۸۵۶	۴/۵۹۴
۱۳۵۵	۱/۳۹۸/۱۱۶	۲۵۵/۴۹۰	۴۰/۹۲۵	۱/۰۴۰	۹۱۲/۲۶۴	-	۹۱۲/۲۶۴	۱۴/۷۶۶

واردات محصولات زراعی و کاهش تولیدات بخش کشاورزی

کشاورزی و دامپروری در توسعه و رونق اقتصادی نقش مهمی دارند (قجر و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۴۰-۱۳۵)؛ اما در زمان پهلوی، از کشاورزی که یکی از پایه‌های راهبردی اقتصاد ایران می‌باشد، غفلت شد و درآمد نفت به جای این که صرف اصلاح روش‌های کشاورزی سنتی شود، بیشتر صرف واردات مواد غذایی شد (وشمه و دیگران، ۱۳۹۶: ۷۶). این واردات بی رویه در سال ۱۳۵۷، چهارده برابر سال قبل شده بود (حسینیان، ۱۳۸۳: ۳۳۵). از این رو، وضعیت تولیدات کشاورزی در انتهای رژیم پهلوی به گونه‌ای بود که کاملاً به بازارهای جهانی وابسته شده بود و مقوله خودکفایی که ناظر بر تولید کالاهای ملی است، نابود گشته بود (سوداگر، ۱۳۶۹: ۳۶۶). تولید محصولات کشاورزی به دلیل سیاست‌های غلط پهلوی به حدی رسیده بود که برخی از مناطق ایران فاقد تولید ارزاق عمومی و محصولات کشاورزی برای خورد و خوراک بودند و وضعیت عمومی اسفناک بود (زاهدی، ۱۳۸۱: ۳۴).

واردات مواد غذایی ایران از سال ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۵۵ همراه با ازدیاد درآمد نفت سیر صعودی داشت تا جایی که براساس گزارش تهران اکونومیست، «خیار اسرائیلی، هویج یخ زده‌ی فرانسوی و... را می‌توان جزء اقلام وارداتی نشان داد. طی چهار سال افزایش مقداری از اقلام خوراکی چنان حیرت‌آور است که هیچ دلیلی را برای آن نمی‌توان پذیرفت، مگر این که به یقین بگویم که از میزان تولیدات داخلی کم شده است...»

واردات گوشت مرغ ۸ برابر... برنج ۲/۵ برابر... پنیر ۴ برابر، گوشت قرمز ۵ برابر شده است». وزیر کشاورزی وقت (۱۳۵۶) اعتراف کرد که بهای واردات کشاورزی در سال ۱۳۵۵ به یک میلیارد دلار می‌رسید (تهران، اکونومیست، ۱۳۵۶: ۳ و عندلیب، ۱۳۹۵: ۷). اکثر محصولات که با چنین رشد وارداتی مواجه شدند، در زمره محصولاتی بودند که امکان تولید آنها در داخل تا حد رفع نیاز بود، لکن سیاست تخریب کشاورزی به‌عنوان سیاست‌های تحمیلی از خارج مرزها، این امکان را از تولیدکنندگان داخلی سلب نمود. این سیاست چنان شالوده‌های کشاورزی کشور را بر هم ریخت که کشورمان در طی چند سال از مقام صادرکننده گندم تبدیل به یک کشور واردکننده عمده گندم شد. برطبق آمار موجود، در سال ۱۳۴۷ صادرات گندم ایران در عین تنزل، به ۲۵۴ هزار تن گندم رسید، لکن در سال ۱۳۴۹ نه تنها صادراتی اتفاق نیفتاد، بلکه گندم نیز وارد کشور شد و بالاخره در سال ۵۶ میزان واردات گندم به بیش از یک میلیون و ۴۰۰ هزار تن رسید. همچنین واردات ذرت در طی همین مدت به ۵ برابر و واردات جو به ۱۵ برابر ارتقا یافت. در این میان، برنج و چای نیز از این شرایط مستثنا نبودند؛ به‌طوری‌که در طی سال‌های ۵۱ تا ۵۶ واردات برنج به بیش از ۷ برابر و واردات چای به بیش از دو برابر رسید (عندلیب، ۱۳۹۵: ۷).

جدول ۲: میزان وابستگی محصولات عمده کشاورزی به بازار جهانی (هزار تن)

متوسط سال‌های ۱۳۵۱-۱۳۵۳				متوسط سال‌های ۱۳۴۱-۱۳۴۳				
گوشت قرمز	برنج	جو	گندم	گوشت قرمز	برنج	جو	گندم	
۱۵	۹۶	۱۰۳	۹۹۵	---	۷	۵	۲۵۹	واردات
۴۴۰	۸۵۵	۹۳۲	۴۶۱۵	۲۴۴	۵۲۴	۷۴۱	۲۷۶۷	تولید داخلی
۴۵۵	۹۵۱	۱۰۳۵	۵۶۱۰	۲۴۴	۵۳۱	۷۴۶	۳۰۲۶	جمع
۳	۱۰	۱۰	۱۷/۷	---	۰/۷	۱/۳	۸/۶	درصد واردات

مهم‌ترین برنامه دولت پهلوی دوم در بخش کشاورزی، اصلاحات ارضی بود. در این برنامه وجه تولید دهقانی سهم‌بری که قرن‌ها در ایران مرسوم بود در طول یک دهه دست‌خوش دگرگونی شد و جای خود را به کشاورزی سرمایه‌داری داد که تأثیرش بر زمین‌داری، ساختار طبقاتی روستاها و عملکرد کشاورزی بسیار بارز و عمدتاً منفی بود. به این ترتیب مالکان بزرگ در ۹۰ درصد روستاها به‌صورت بزرگ‌ترین مالک باقی ماندند، اما دیگر تنها ملاک روستاها نبودند و قدرت سیاسی‌شان شدیداً تحلیل رفته بود. آنها نیز که روستاهایشان را به دولت فروختند، سهام کارخانه‌های دولتی به ارزش ۹۳ میلیون دلار را دریافت کردند. بعضی از آنها به مستغلات روی آوردند یا به بازرگانی، بانکداری و مقاطعه کاری پرداختند. از میان دهقانان میانه حال با زمین کافی، یک طبقه متوسط روستایی سربلند کرد، بازرگانان روستا پدید آمدند. کدخدایان و سربینه‌های سابق دهکده‌ها که در مقایسه با دهقانان معمولی سهم‌بر، زمین بیش‌تری دریافت کرده بودند، اکثراً در این رده قرار می‌گرفتند. گروه دیگری از طبقه متوسط روستایی، مغازه‌داران روستا بودند که به‌صورت

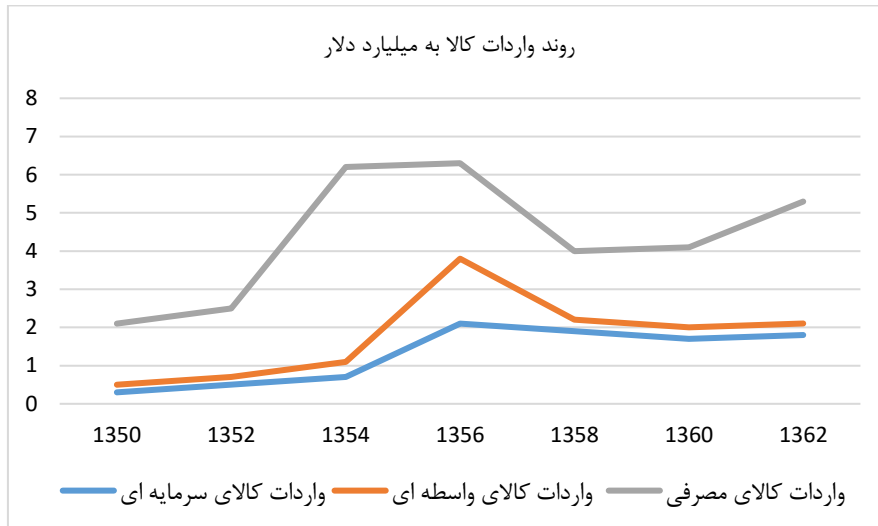
نزول خوار، آسیابان و اجاره دهنده ابزارهای کشاورزی تعدادشان دو برابر قبل شد. این طبقه متوسط در کنار زمین‌دار بزرگ به روستاها مسلط بودند و در مقام اعضای انجمن ده، انجمن‌های تعاونی و خانه‌های اصناف موقعیتشان مستحکم بود. در این میان، اکثریت عظیم روستانشینان جزو دهقانان کم زمین یا کارگران مزدبگیر روستا بودند. تعداد کارگران روستاها به یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر و با جمع خانواده‌هایشان به هفت میلیون نفر می‌رسید. اینان یا به صورت نیمه‌وقت برای دیگران کار کشاورزی می‌کردند یا به شهرها رفته و جزو طبقه حاشیه شهری می‌شدند. بعد از اصلاحات ارضی امکان پیدا کردن کار در روستاها برای این طبقه کم‌تر شد، چون کشاورزی مزرعه‌های بزرگ به کمک ماشین انجام می‌شد و دهقانان خرده پا نیز خود کار مزرعه را انجام می‌دادند. در نبود یک استراتژی توسعه کشاورزی جامع یا هماهنگ با تخصیص تنها ۱۶ درصد بودجه کشور (سال ۴۵) نرخ رشد کشاورزی در مجموع ناامیدکننده بود و برآوردها حول نرخ دو تا سه درصد در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ و دو درصد در دهه ۵۰ چرخ می‌زد. همچنین سهم کشاورزی در تولید ناخالص داخلی از ۳۳ درصد در سال ۳۸ به ۲۳ درصد در سال ۴۸ و ۹/۲ درصد در سال‌های ۵۶ و ۵۷ کاهش یافت. تولید گندم، جو، برنج، تنباکو، توتون، پنبه و سایر اقلام کلیدی و صادراتی رشد کندی داشت و در بعضی مراحل با کاهش روبه‌رو بود. همچنین نرخ رشد سالانه کشاورزی در حالی دو تا سه درصد بود که نرخ رشد سالانه مصرف به ۱۲ درصد می‌رسید. یکی دیگر از دلایل مشکلات کشاورزی ایران، عملکرد ضعیف واحدهای کشت و صنعت و شرکت‌های زراعی بود (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۴). گزارش دیگری مسئله افزایش وابستگی در زمینه کالاهای کشاورزی را روشن‌تر می‌سازد: «در سال ۵۱ واردات کالاهای کشاورزی بالغ بر ۱۳/۷ میلیارد ریال می‌شد. در سال ۵۲ این رقم به ۱۷/۳ میلیارد ریال و در سال ۵۳ واردات این محصولات به یک‌باره با افزایشی معادل چهار برابر سال ۵۱ مواجه گشت و به ۵۷/۴ میلیارد ریال بالغ گشت و بدین ترتیب واردات این‌گونه محصولات طی سال‌های ۵۰ تا ۵۶ به بیش از ۸ برابر فزونی یافت. جالب توجه اینجاست که در این افزایش واردات، پس از غلات به ترتیب سهم قند و شکر شیرین و سپس قهوه، چای و ادویه نسبت به سایر محصولات بیشتر است. میزان واردات غلات طی سال ۵۱ تا ۵۶ از ۶/۸ میلیارد ریال به ۳۸/۵ میلیارد ریال یعنی حدود ۶ برابر رسید. همچنین در طی همین مدت واردات قند و شکر و شیرینی و قهوه، چای، ادویه به ترتیب از ۲ و ۱/۳ میلیارد ریال به ۱۱/۸ و ۴ میلیارد ریال افزایش یافت که نشان‌دهنده ۵ برابر شدن واردات قند و شکر و شیرینی و ۳ برابر شدن واردات قهوه و چای و ادویه است. اکثر محصولات که با چنین رشد وارداتی مواجه شدند، در زمره محصولات تولیدی بودند که امکان تولید آن در داخل تا حد رفع نیاز بود؛ لکن سیاست تخریب کشاورزی، به‌عنوان سیاست‌های تحمیلی از خارج مرزها، این امکان را از تولیدکنندگان داخلی سلب نمود. این سیاست چنان شالوده‌های کشاورزی کشور را برهم‌ریخت که کشورمان در طی چند سال از مقام صادرکننده گندم تبدیل به کشور واردکننده عمده گندم شد. بر طبق آمار موجود در سال ۱۳۴۷ صادرات گندم ایران در عین تنزل به ۲۵۴ هزار تن گندم رسید، لکن در سال ۱۳۴۹ گندم وارد کشور شد و بالاخره در سال ۵۶ میزان واردات گندم به بیش از یک میلیون و ۴۰۰ هزار تن رسید. همچنین واردات ذرت در طی همین مدت به ۵ برابر و واردات جو به ۱۵ برابر ارتقا یافت. در این میان برنج

و چای نیز از این شرایط مستثنی نبودند، به طوری که در طی سال‌های ۵۱ تا ۵۶ واردات برنج به بیش از ۷ برابر و واردات چای به بیش از دو برابر رسید» (عندلیب، ۱۳۹۵: ۲۷-۲۱).

بنابراین می‌توان ادعان کرد که به دلیل سیاست‌های اشتباه پهلوی دوم در حمایت از واردات بی‌رویه محصولات کشاورزی و بی‌توجهی به تولیدات داخلی، همه‌گونه محصول کشاورزی و دامی نامرغوب مانند گوشت‌های یخ زده و پوسیده، روغن نباتی، پنیر، کره، گندم، برنج نامرغوب پاکستان، نخود و لوبیا و عدس وارد ایران شد. با برهم ریختن نظم روستا و رعایت نشدن قوانین روستا در تولید مواد غذایی مورد نیازشان، کشاورز تولیدکننده به مصرف‌کننده تبدیل شد و پس از چند سال خیانت شرکت‌های واردکننده محصولات کشاورزی و زراعی، فقط ویرانه‌های روستاها باقی ماند (سرلک، ۱۳۸۴: ۱۸۴). در نهایت باید ادعان داشت که تولید محصولات کشاورزی در رژیم پهلوی نیز جای خود را به «واردات مواد غذایی از خارج کشور» و «رشد ناچیز و اندک فرآورده‌های کشاورزی در طی سال» دادند (طالب و عنبری، ۱۳۸۵).

صنعت وابسته و عدم حمایت برنامه‌ریزی شده از تولیدگران داخلی

یکی از سیاست‌های اقتصادی شاه، صنعتی کردن شتابان جامعه ایرانی بود (Keddie, 1981: 53). اما روند صنعتی کردن به سود غرب و سرمایه‌داران خارجی بود؛ زیرا بخش عمده از این صنایع با درآمدهای خارجی فراهم آمده بود و بیشتر متمرکز بر مونتاژ بود. در بخش صنعت، افت تولید در دهه ۵۰ فعالیت‌هایی همچون ساخت‌وساز را به رکود برد، در حالی که ایران در سال ۱۳۴۳ بیش از ۱۰۰ هزار تن سیمان به خارج صادر می‌کرد، در دهه ۵۰ کمبود سیمان موجب رکود فعالیت‌های ساختمانی و واردات این محصول شد. ماحصل این اتفاقات، افزایش رکود تورمی، افزایش بیکاری، کاهش دستمزدها، بالا رفتن قیمت مسکن و مواد غذایی و سخت‌تر شدن زندگی کارگران و طبقه‌های متوسط در شهرهای بزرگ بود (فرهیختگان، ۱۳۹۶: ۹). طی سال‌های ۱۳۵۲ الی ۱۳۵۷، خیلی از طرح‌های گسترش صنایع داخلی ایران به اجرا نرسید و تمرکز بر واردات بی‌رویه کالا از خارج بود (حاضری و فکری، ۱۳۹۵: ۱۳۰). تمرکز بر خرید سلاح و تجهیزات نظامی منجر به کاهش توجه به صنعت داخلی ایران و رونق بخشیدن به صنایع ملی و رشد صادرات کالاهای صنعتی ایران شد (آبراهیمیان، ۱۳۸۶: ۵۲۵).



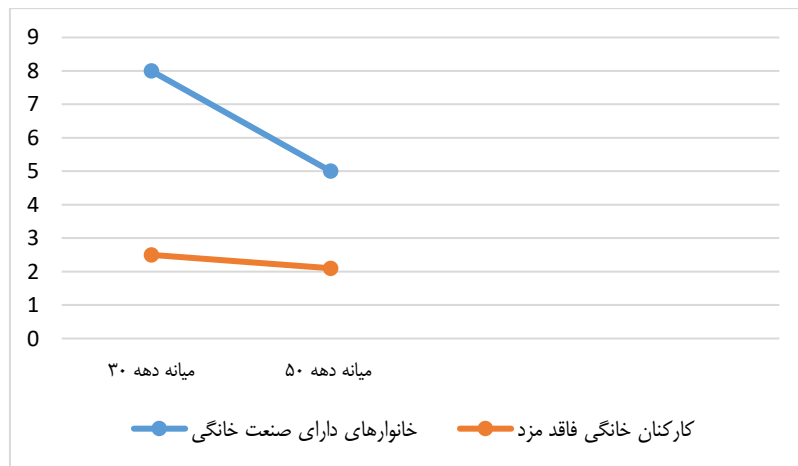
نمودار ۱: روند واردات کالا به میلیارد دلار

در استراتژی توسعه اقتصادی شاه، کمتر به تکنولوژی پیشرفته غرب و بیشتر به واردات تسلیحات و جنگ افزار توجه شده بود. کالای عمده صادراتی ایران نفت بود و همه چیز به درآمد نفت بستگی داشت. درآمد حاصل از نفت که در اواسط دهه ۱۳۴۰ حدود ۵۰۰ میلیون دلار بود، در سال ۱۳۵۵، از ۲۰ میلیارد (چهل برابر) تجاوز کرد. به همین ترتیب واردات کشور از ۵۶۰ میلیون دلار در سال ۱۳۴۱، به بیش از ۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۱ و ۱۸/۴۰۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۶ رسید. همچنین رشد درآمد نفت به سقوط سهم صادرات غیر نفتی انجامید، به طوری که در سال ۱۳۵۶ سهم صادرات غیر نفتی به ۲ درصد کاهش یافت. به بیان دیگر، در آستانه دروازه‌های «تمدن بزرگ» صادرات کالای کشاورزی و صنعتی ایران تنها ۲ درصد کل صادرات کشور بود (نجاتی، ۱۳۸۷، جلد ۱: ۳۴۵). به عبارتی، حجم گسترده واردات منجر به افزایش بیکاری کارگران ایران و رکود اقتصاد ایران در حوزه صنعت، معدن و ... شد (قاسمی، ۲۰۱۶: ۲۰۰).

نوسازی و گسترش مناسبات سرمایه‌داری و استقرار صنایع ماشینی در افول کارکرد اقتصادی خانواده ایرانی در دهه ۵۰ تأثیرگذار بود؛ چرا که، کارخانجات و مراکز عمده‌ی صنعتی نه تنها با محصولات ماشینی وارداتی خود، موجبات اضمحلال تولیدات خانگی مبتنی بر صنایع دستی ایرانیان را فراهم کردند و سبب جذب کارگران متخصص صنایع خانگی به سوی کارخانه‌های بزرگ صنعتی می‌شوند، که این مسئله تعطیلی کارگاه‌های تولیدات کالاهای اصیل خانگی ایرانیان را به دنبال داشت بلکه منجر به حضور کارشناسان خارجی در ایران شد (اکبری و پورقنبر، ۱۳۹۶: ۱۵). در رابطه با میزان خانواده‌هایی که اعضای آن در درون منزل، بر روی یک یا چند صنعت و کالای خانگی، به همان سبک و سیاق قدیمی یعنی به صورت روش تولید خرده کالایی دستی و غیرماشینی فعالیت می‌کردند، آمارها حکایت از کاهش نسبتاً محسوس این نوع

خانواده‌ها در مناطق شهری ایران طی دهه‌ی ۳۰ تا ۵۰ شمسی دارد، چنان‌که در آستانه‌ی اجرای برنامه مدرنیزاسیون، کمتر از هشت درصد خانواده‌های ایرانی در مناطق شهری دارای صنعت تولیدات کالای خانگی بوده و اعضای آن به‌صورت دستی و غیرماشینی برای تولید کالا فعالیت می‌کردند اما این نرخ در دو دهه‌ی بعد از آن، به حدود پنج درصد از مجموع خانوارهای شهرنشین ایرانی تنزل یافت. در رابطه با میزان کارکنان خانوادگی فاقد دستمزد هم باید عنوان نمود که، اگرچه این نوع کارگران که متشکل از اعضای خانواده بود، در مناطق روستایی و غیرشهری که مبتنی بر اقتصاد کشاورزی و شیوه تولید زراعی است، بسیار چشمگیرتر به نظر می‌رسید و اهمیت فراوانی در نیروی کار داشته، با این حال، در مناطق شهری، به خصوص قبل از دوره‌ی مدرن و صنعتی‌شدن جوامع، در زمینه‌ی صنایع دستی و خانگی که توسط اعضای خانواده در درون منزل به شیوه‌ی سنتی و دستی تولید می‌شد، نمود و جلوه‌ی خاصی داشته است.

در آستانه‌ی اجرای برنامه مدرنیزاسیون، تقریباً در ازاء هزار نفر شخص شاغل در نواحی شهری ایران، بیست و پنج نفر در زمره‌ی کارگرانی محسوب می‌شدند که در درون خانه مشغول تولید کالایی بوده، و در ازاء کار خود دستمزدی دریافت نمی‌کردند. این نرخ در بیست سال بعد از آن یعنی در نیمه‌ی دهه‌ی پنجاه شمسی به بیست و یک نفر به ازاء هزار نفر تقلیل پیدا کرد. در مجموع، آمار و ارقام این دو شاخص در سطح مناطق شهری کشور، حکایت از کاهش کارکرد اقتصادی خانواده در ایران در تولید کالاهای ایرانی، طی دوره‌ی زمانی مورد نظر دارد (اکبری و پورقنبر، ۱۳۹۶: ۱۸-۱۷).



نمودار ۲: روند تغییر کارکرد اقتصادی بر مبنای دو مقوله نرخ صنایع خانگی و کارکنان خانوادگی فاقد مزد طی دو دهه (به درصد)

در سال ۱۳۵۶ یعنی آخرین سال حکومت شاه فقط دو درصد صادرات کشور غیر نفت و گاز بود. از طرفی یکی از ویژگی‌های توسعه‌یافتگی کشورهای پیرامون این است که این کشورها با صادرات مواد اولیه خام، صرفاً مصرف‌کننده صنوعات کشورهای دیگر هستند و اگر کارخانه‌ای نیز در کشورشان احداث می‌شود عمدتاً کارخانه‌های مونتاژ می‌باشد و یا اینکه فناوری‌های کارخانه به صورت کامل در اختیار نیروهای داخلی قرار نمی‌گیرد، بر این اساس اگرچه طی سال‌های اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ شاهد راه‌اندازی کارخانه‌ها و صنایع مختلفی بودیم اما با کمال تأسف این کارخانه‌ها صرفاً کارخانه‌های مونتاژکاری بوده و هرگز فناوری‌های آنها در اختیار متخصصان و تکنیسین‌های داخلی قرار داده نمی‌شد. همچنین بخش عمده صنایع مادری که در این دوره گسترش یافتند به دلیل نقش فزاینده دولت در آن و متکی بودن آن به درآمدهای نفتی، فاقد کارآمدی لازم در عرصه تقویت تولیدات ملی شده بود و با توجه به اینکه منابع نفتی به جای اینکه در بخش‌های مورد نیازتر همچون کشاورزی هزینه شود در چنین بخش‌هایی هزینه می‌شد. اقتصاد کشور نیز حالت ناموزون به خود می‌گرفت و به جای توسعه، هر چه بیشتر وابسته به درآمدهای نفتی می‌شد، به‌طور کلی کمک صنایع نفت به اقتصاد ایران در خلال ۱۵ سال آخر رژیم پهلوی مهم بود ولی اساسی نبود، بخشی از درآمد نفت صرف صنعتی کردن کشور، گسترش زیرساخت‌های اجتماعی و امور رفاهی می‌شد، ولی بخش اصلی آن یا در راه تقویت ماشین جنگی و دیوانسالاری نظامی رژیم و یا صرف امور غیرتولیدی و خرید سهام شرکت‌های ورشکسته خارجی می‌شد و با توجه به روند روبه رشد قیمت نفت و نیز سهم آن در اقتصاد ایران نسبت به سایر محصولات غیرنفتی، می‌توان چنین نتیجه گرفت که روند توسعه اقتصادی کشور نه تنها به سمت استقلال و شکوفایی کشور از طریق رونق کالای ایرانی و پیشرفت صادرات تولیدات ایرانی حرکت نمی‌کرد بلکه به سمت وابستگی هر چه بیشتر در حرکت بود (لطیفی، ۱۳۹۵: ۷).

ساختارهای اقتصادی شکننده و فاقد کارآمدی

در ادبیات رشد و توسعه، مباحث نظری و تجربی گسترده‌ای در خصوص عوامل تعیین‌کننده رشد اقتصادی و افزایش سطح تولید ملی مطرح شده است. در چارچوب ادبیات نهادگرایی، به کارکرد نهادها و شرایطی اشاره می‌شود که می‌تواند یکی از مهمترین موانع و تنگناهای تولید در اقتصاد را توضیح دهد. نهادها و ساختار نهادی تولید می‌توانند با شکل‌دهی ساختارهای انگیزشی در جهت حمایت از تولید و فراهم کردن بستر مناسب برای تولید، به‌عنوان یک عامل حمایت‌کننده ظاهر شده یا در مقابل با ایجاد انحراف از تولید و افزایش هزینه مبادله فعالیت‌های اقتصادی و افزایش اصطکاک بازار به‌عنوان یک عامل بازدارنده نقش ایفا کنند. برخی از اقتصاددانان، نهادها را تعیین‌کننده انگیزه و محدودیت‌های فعالیت‌های اقتصادی می‌دانند. بنابراین ساختار نهادی هر کشور به‌طور عمیقی عملکرد بنگاه‌ها و تولید ملی آن کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در هر کشوری ساختار نهادی تولید را می‌توان شرایط ناظر بر ساختار نظام حقوقی و قانونی مرتبط با تولید، امنیت سرمایه‌گذاری و حقوق مالکیت، میزان شفافیت و سلامت نظام اقتصادی و اداری، فشار مقررات و میزان دخالت دولت در اقتصاد، سهولت کسب و کار، ثبات سیاسی و اقتصادی و میزان کارایی و

اثربخشی دولت در نظر گرفت. ایجاد ساختار نهادی مناسب برای تولید مستلزم فراهم ساختن شرایطی از قبیل بهبود کیفیت و کارایی قوانین و مقررات، برقراری حاکمیت قانون، فراهم کردن امنیت لازم برای سرمایه‌گذاری، تضمین حقوق مالکیت، ایجاد ثبات اقتصادی و سیاسی، تسهیل ضوابط مربوط به تولید و تجارت، حذف مقررات زائد، افزایش توانایی و کارایی دولت در توسعه نهادهای مالی و زیرساخت‌های اقتصادی و ایجاد فضایی سالم، شفاف و رقابتی در اقتصاد است.

در مقابل، در هر کشوری شرایطی نظیر نقض حقوق مالکیت و فقدان حمایت کافی از حقوق مالکیت خصوصی، فقدان ضمانت اجرایی کافی برای قراردادهای، ناکارآمدی قوانین و مقررات، ناکارآمدی نظام قضایی (طولانی شدن دادرسی، فساد در نظام قضایی، بی‌عدالتی و...)، گسترش فساد در نظام اداری و اجرایی، بی‌ثباتی و ناامنی اقتصادی و اجتماعی، وجود کشمکش‌های داخلی و تنش‌های خارجی از جمله ویژگی‌های یک ساختار نهادی نامناسب برای تولید می‌باشد. در یک ساختار نهادی نامناسب، هزینه مبادله فعالیت‌های اقتصادی و ریسک سرمایه‌گذاری افزایش یافته و انگیزه برای سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های تولیدی کم می‌شود. بررسی شاخص‌های مختلف موجود در این زمینه نشان از ضرورت اهتمام به این موضوع دارد. بنابراین اصلاح ساختار نهادی تولید و بهبود فضای کسب و کار و مرتفع ساختن موانع و تنگناهای تولید را می‌توان یکی از مؤثرترین اقدامات در جهت رشد، توسعه اقتصادی و ارتقای تولید ملی و حمایت از بنگاه‌های اقتصادی دانست (آذرمنده، ۱۳۹۱: ۱۴۵). این مسائل در حالی است که نهادهای اقتصادی رژیم پهلوی ناکارآمد بوده و فساد اداری مانع رونق روند تولید ملی می‌گشت. فقدان برنامه‌ریزی و بی‌ثباتی ادارات در فعالیت‌های اقتصادی باعث می‌شد تا مشکلات عدیده‌ای در راستای رونق کالای داخلی به‌وجود بیاید.

با این اوصاف، به دلیل ساختار اقتصادی ضعیف و فقدان نهادمندی اقتصادی، صنایع مدرنی که مد نظر رژیم پهلوی بود، ساختار ضعیف و مشوش داشته و اغلب بر صنایع مونتاژ تکیه داشت. خصوصیت عمده صنایع، مصرفی بودن و وابستگی آنها از نظر مواد اولیه، قطعات، ماشین آلات، نیروی انسانی متخصص و در نتیجه وارداتی بودن فناوری بود به طوری که به حرکت درآمدن چرخ صنایع با نیاز کشور به واردات گره خورد؛ بدین ترتیب صنایع وابسته نه تنها کمکی به خودکفایی نکرد بلکه خود پیشاهنگ وابستگی اقتصادی در ایران شد و سود فراوانی را به کشورهای خارجی رساند. از طرف دیگر صنایع سنتی، رها شد و حمایتی از آن صورت نگرفت. اصلی‌ترین نتیجه حمایت رژیم پهلوی از صنعت وابسته، زوال تدریجی صنایع داخلی بود. از سوی دیگر آشکارترین ضعف صنعت ایران وابستگی به نفت و عدم افزایش صادرات صنعتی برای مقابله با نیازمندی‌های ارزی در دوران کاهش درآمد نفتی بود. علاوه بر این، صنایع جدید هیچ عایداتی برای اقتصاد ایران نداشته و به شدت سرمایه بر بودند. مضافاً اینکه در کارخانه‌های مدرن تنها ۶ درصد نیروی کار صنعتی مشغول بودند؛ لذا این صنعت تصنیعی بوده و کمکی به اقتصاد کشور و رفع بیکاری نکرد (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷: ۸-۷). این عملکرد ضعیف ناشی از فقدان نهادمندی اقتصاد در دوران پهلوی و بی‌توجهی به امر کارآمدی دستگاه‌ها و بنگاه‌های اقتصادی تولیدی در کشور بوده است.

به رغم مداخله فزاینده دولت پهلوی، برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نیز تسهیلاتی ایجاد شده بود، ولی نرخ رشد صرف هزینه‌های نجومی تسلط شاه در جامعه‌ای صورت می‌گرفت که از نبود زیرساخت‌های اولیه نهادی و توسعه یافتگی رنج می‌برد. در سال ۱۳۵۴ در حالی که درآمد خالص ایران از محل فروش نفت بالغ بر ۲۰ میلیارد دلار شده بود، کمبود نان و قطعی دائمی برق آسیب‌های جدی به ملت ایران وارد آورد. به گفته گازیوروسکی اولویت‌های برنامه‌های نوسازی شاه سه نوع ناهماهنگی در اقتصاد ایران به همراه داشت؛ عدم تعادل در رشد و بازدهی بخش‌های گوناگون اقتصاد، ایجاد یک بخش صنعتی بیش از اندازه سرمایه‌افزون و سطح بسیار بالای مصرف دولتی. تأکید بر استراتژی جانشین سازی واردات، مایه کاهش رقابت کالاهای ساخت داخل کشور و تضعیف پیوندهای میان صنایع و بخش‌های دیگر اقتصاد شد و کارایی آن را تحت الشعاع قرار داد و در نتیجه باعث افزایش حجم واردات گردید. برنامه صنعتی شدن سرمایه‌افزون نیز منابع نیروی کار ایران را زیر فشار قرار داده و مایه بروز تنش اجتماعی شد و نهایتاً رشد سریع مصرف دولت باعث وابستگی شدید به درآمدهای نفتی شد اما نوسان‌های بهای نفت در بازارهای جهانی باعث افزایش درجه حساسیت اقتصاد ایران شد.

می‌توان نتیجه گرفت درآمدهای نفتی به دو شکل مانع از شکل‌گیری دولت و تثبیت روند عقلانی دولت-ملت سازی شد: از یک سو با تثبیت اقتصاد دولتی قدرتمند، از تقویت موقعیت بخش غیردولتی جلوگیری کرد. از سوی دیگر، با تضعیف بنیه اقتصادی بافت اجتماعی وابسته کردن جامعه به دولت، مانع از تقویت ساختار اجتماعی در مقابل دولت شد. این شرایط باعث شد اگر زمانی دولتی توسعه‌گرا قدرت را در دست گیرد هزینه‌های سنگین را برای جدایی از ساختار بیمار اما نهادینه شده اقتصادی به خود و ساختار اجتماعی تحمیل کند. نمونه واقعی این وضعیت یارانه‌های عظیمی است که دولت به‌طور خاص در حوزه انرژی بردارد که رهایی یافتن از آن مستلزم پرداخت هزینه‌های سنگین از سوی دولت و شهروندان است. درآمدهای بالای نفت در عین حال زمینه‌ساز پدیده‌ای نامیمون در جامعه ایرانی شد که کاملاً در تضاد با روند دولت-ملت سازی است (سمیعی اصفهانی و عباسی، ۱۳۹۷: ۱۴۱-۱۳۹).

بررسی مداخلات خارجی در اقتصاد ملی

اقتصاد ایران از جمله بخش‌هایی که در طول دوران گذشته کمتر تحول تأثیرگذار و درون‌زایی را در آن شاهد بوده‌ایم. اقتصاد ایران در یک دوره طولانی بر بخش کشاورزی و تولید کالاهای سنتی متکی بوده است و اگر در دوره‌هایی احداث برخی از کارخانجات مورد توجه قرار گرفته‌اند نه تنها این تولیدات بومی نشدند بلکه به‌طور پراکنده و در نقاط خاصی متمرکز بوده‌اند. شاید همان گونه که بیشتر محققان تأکید کرده‌اند، مشکل اصلی جامعه ایران و بالطبع اقتصاد را استبداد تشکیل می‌داد. شاه به هر کس می‌خواست می‌بخشد و از هر کس می‌خواست سلب مالیت می‌کرد و بنابراین فقدان امنیت جانی و مالی نبود تضمین کافی حقوق مالکیت مانع رونق اقتصادی و تجمع ثروت و ابداع و نوآوری و در نتیجه گسترش تولیدات صنعتی گردید امری که در اروپای صنعتی در یک سیر تاریخی اصلاح شده و با چاره‌اندیشی مناسب متفکران

آن رفته رفته توسعه اقتصادی را به وجود آورده است. اما دولت پهلوی از این الگو پیروی نکرد در این سالها کارخانه‌های تولیدکننده کالاهای مصرفی، واسطه‌ای سرمایه‌بر و سنگین یکی پس از دیگری در قطب‌های صنعتی و اقتصادی کشور تأسیس شد و نیروهای ماهر و غیرماهر شهری و مهاجرین روستایی را جذب کرد. خصوصیت عمده این نوع صنایع، مصرفی بودن و وابستگی آنها از نظر مواد اولیه، قطعات، ماشین‌آلات، نیروی انسانی متخصص و در نتیجه وابستگی تولید به خارج بود. اگر در دوره‌های تاریخ گذشته مراکز صنعتی (نخست روسیه و انگلیس و آلمان و به‌ویژه آمریکا) و انحصارهای فراملیتی تداوم و صادرات نفت خام و واردات کالا به ایران را با توسل به وسایل گوناگون دنبال می‌کردند؛ اکنون با ساختاری شدن وابستگی در صنعت نفت و دیگر بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات، نیروهای داخلی و دلالتان سودجو برای ادامه حیات خود بر تداوم مصرف و ادامه روابط اقتصادی به روال گذشته تأکید کرده و وابستگی را بیش از پیش توسعه می‌دادند. اگر چه بخش صنعت در این سالها تغییرات زیادی را شاهد بود ولی ماهیت آن مانند دوره‌های گذشته تحت تأثیر سه عامل اصلی یعنی دولت، درآمد حاصل از فروش نفت و اقتصاد جهانی قرار داشت. دولت تمام سرمایه‌گذاری بخش صنایع سنگین و سرمایه‌بر را خود بر عهده داشت و سایر سرمایه‌گذاری‌ها نیز زیر نظر دولت صورت می‌گرفت.

سرمایه‌داری بین‌المللی همگام با دولت، موقعیت برتری را جهت کنترل بخش‌های کلیدی اقتصاد به دست آورد. بورژوازی وابسته نیز کاملاً همبسته و تحت سلطه سرمایه‌داری بین‌المللی قرار داشت. این طبقه متشکل از ۱۰۰۰ خانواده شامل خانواده‌ای اشرافی و درباری، صاحبان بانک‌های خصوصی و مراکز بازرگانی جدید، صاحبان صنایع و دست‌اندرکاران تجارت کشاورزی بود. ذی‌نفع‌های اصلی توسعه اقتصادی در دهه ۴۰ و ۵۰ سرمایه‌داران بین‌المللی وابسته‌ای بودند که در پناه حمایت‌های دولت قادر بودند بر اقتصاد تسلط یافته و سود کلانی به دست آورند. اینان اغلب با سرمایه نسبتاً اندک خود چنان قدرتی یافته بودند که سرمایه عمومی و سایر امکانات را برای عرضه اتومبیل‌های مونتاژ شده و غیره به کار می‌گرفتند تا پیشرفت اقتصادی ایران را به نمایش گذاشته و طبقه وابستگان دولت را خوشحال نگه دارند، ولی در عوض سود سرشاری را نصیب خود می‌کردند.

از طرف دیگر افزایش واردات به منظور پاسخ به تقاضاهای روزافزون و در نتیجه تغییر الگوی مصرف و عادت دادن مردم به استفاده از کالاهایی که امکان تولید آن در کشور موجود نبود کل زندگی اقتصادی، اجتماع و فرهنگی ایران را با انحصارات غربی پیوند داد تا آنجا که نه تنها برای به حرکت در آوردن چرخ صنایع بلکه برای هرگونه فعالیتی اعم از تولیدی و خدماتی، نیازها از طریق واردات تأمین می‌شد. اخبار و رویدادهای بر جای مانده از رژیم شاه شدت این وابستگی را به خوبی نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال کارخانه ارج با هشت هزار کارگر در سال ۱۳۵۶ به علت نداشتن پیچ متوقف می‌شود. در این مورد همچنین می‌توان به خبر یکی از روزنامه‌های آن زمان (رستاخیز) در تاریخ تیرماه ۱۳۵۷ اشاره کرد. در این خبر آمده است که «متأسفانه در وضع کنونی باید مرغ را با قیمت گزاف برای تولید تخم‌مرغ جوجه‌کشی از خارج وارد کنیم. مرغ مادر گوشتی را در شرایط کنونی نمی‌توانیم در ایران تولید کنیم. برای تغذیه این مرغ‌ها ۷۰ درصد غذای

طیور را باید از خارج از کشور وارد کنیم. البته با این همه وارد کردن‌ها برای اداره این صنعت تکنولوژی لازم و نیروی انسانی نداریم. یعنی طبق استاندارد معمولاً برای هر ۲ هزار واحد دامی به یک دامپزشک نیازمندیم ولی در ایران متأسفانه برای هر ۴۳۱۹۶ واحد دامی یک دامپزشک وجود دارد». این خبر یک نمونه بارز از وابستگی تکنولوژیکی به تولید خارجی است. در سال ۱۳۵۴ مبلغ زیادی جریمه به کشتی‌هایی پرداخت شد که در خلیج فارس به علت عدم وجود امکانات و تجهیزات تخلیه بار در انتظار باراندازی مانده بودند. شاید ذکر این نکته از جانب نیکی کدی، مورخ امریکایی در مورد تبدیل ایران به بازار مصرف کالاهای امریکایی بسیار راهگشا باشد که می‌گوید:

«محمدرضا وابستگی اقتصادی ایران به غرب را به شدت افزایش داد... خرید تسلیحات فوق مدرن و بسیار پیچیده و کالاهای مصرفی تفننی که همه آنها ایران را در موقعیتی قرار می‌داد که در بلندمدت به کشورهای غربی و به خصوص امریکا متکی باشد، رواج کاملی داشت و منافع این خریدها را به جیب شرکت‌های امریکایی سرازیر می‌کرد» (Keddie, 1981: 75).

در مورد کالاهای انگلیسی نیز کافی است به سخنان آنتونی پارسونز، آخرین سفیر انگلیس در دربار پهلوی گوش بسپریم که می‌گوید:

«در فاصله سال‌های ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۸ ایران وسیع‌ترین بازار صادرات انگلستان در خاورمیانه به‌شمار می‌رفت و هزاران میلیون پوند ارز مورد نیاز انگلستان را در شرایط دشوار اقتصادی تأمین می‌کرد» (پارسونز، ۱۳۹۰: ۲۰۷).

تجزیه و تحلیل داده‌ها کمی

برای تجزیه و تحلیل داده‌های تاریخی مربوط به وضعیت تولید ملی در رژیم پهلوی، سعی شد تا از طریق پرسش‌نامه‌هایی که در اختیار کارشناسان تاریخ انقلاب اسلامی قرار داده شده است، صحت مطالب استخراج شده نیز مشخص گردد. در همین راستا، پرسشنامه‌ای در بین ۱۲۰ نفر از اساتید و دانشجویان تحصیلات تکمیلی توزیع گردید و داده‌های آنها براساس نرم افزار SPSS مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند. جامعه آماری در این مقاله، اساتید، پژوهشگران و دانشجویان تحصیلات تکمیلی هستند که دارای مطالعه و پژوهش‌هایی در حوزه تاریخ انقلاب اسلامی و رژیم پهلوی هستند و این مجموعه از بین اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های تهران انتخاب شدند. از ۱۲۰ پرسشنامه ارسالی، صرفاً ۹۲ نفر از پژوهشگران به سؤالات پاسخ داده‌اند که در ادامه به بررسی جنس، فراوانی و درصد فراوانی آنها اشاره خواهیم کرد.

جدول ۴: جامعه آماری شرکت کننده در طرح

جامعه آماری						
فراوانی کل	درصد فراوانی به نسبت جنسیت		جنسیت		تحصیلات	
			زن	مرد		
۱۳,۰۴	۴۱.۶۶	زن	۵	۷	کارشناسی ارشد	۱
	۵۸.۳۳	مرد				
۵۳,۲۶	۱۶.۳۲	زن	۸	۴۱	دانشجوی دکترا	۲
	۸۳.۶۷	مرد				
۶۹,۳۳	۶.۴۵	زن	۲	۲۹	دکترای تخصصی	۳
	۹۳.۵۴	مرد				

شاخص‌های مورد بررسی در جدول زیر نمایش داده می‌شوند.

جدول ۵: شاخص‌های عوامل تأثیرگذار بر روند تولید محصولات داخلی در زمان رژیم پهلوی

ردیف	اعطای معافیت‌های گمرکی
P1	دخالت‌های شاه و نزدیکان وی در امور اقتصادی و عدم امنیت تولیدکنندگان
P2	وابستگی شدید اقتصاد کشور به کالاهای سطحی و پیش افتاده خارجی
P3	واردات محصولات زراعی و کاهش تولیدات بخش کشاورزی
P4	صنعت وابسته و عدم حمایت برنامه‌ریزی شده از تولیدگران داخلی
P5	ساختارهای اقتصادی شکننده و فاقد کارآمدی
P6	اعطای معافیت‌های گمرکی

در جدول زیر توصیف‌های آماری وضعیت تولید ملی در رژیم پهلوی نشان داده می‌شود.

جدول ۶: جدول وضعیت تولید ملی در رژیم پهلوی از منظر کارشناسان تاریخ انقلاب اسلامی

پرسش	مؤلفه/شاخص	میزان تأثیر بر وضعیت تولید محصولات داخلی (کالای ملی)			
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
۱	اعطای معافیت‌های گمرکی	۷۴	۶	۹	۳
۲	دخالت‌های شاه و نزدیکان وی در امور اقتصادی و عدم امنیت تولید کنندگان	۸۹	۲	۱	۰

۰	۲	۱۰	۱۱	۶۹	وابستگی شدید اقتصاد کشور به کالاهای سطحی و پیش افتاده خارجی	۳
۲	۱	۱	۷	۸۱	واردات محصولات زراعی و کاهش تولیدات بخش کشاورزی	۴
۰	۱	۰	۱	۹۰	صنعت وابسته و عدم حمایت برنامه‌ریزی شده از تولیدگران داخلی	۵
۰	۰	۲	۱۲	۷۸	ساختارهای اقتصادی شکننده و فاقد کارآمدی	۶

تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه‌ها نشان می‌دهد که دخالت‌های شاه و نزدیکان وی در امور اقتصادی و عدم امنیت تولیدکنندگان و صنعت وابسته و عدم حمایت برنامه‌ریزی شده از تولیدگران داخلی بیشترین نقش را در نابسامانی وضعیت تولید ملی در زمان رژیم پهلوی داشته‌اند و بعد از این دو مؤلفه، مقوله واردات محصولات زراعی و کاهش تولیدات بخش کشاورزی باعث تضعیف جدی تولیدات کشاورزی در جامعه ایرانی شده بود و رژیم پهلوی با بی‌توجهی به بخش کشاورزی و تمرکز بر واردات کالاها و اقلام اساسی در حوزه کشاورزی، روند کشاورزی را در کشور مختل نموده است.

دسته‌بندی عوامل مؤثر بر تولید ملی و جریان حمایت از کالای داخلی براساس نتایج به‌دست آمده از پرسشنامه‌ها نشان می‌دهد که ترتیب اولویت‌های تأثیرگذار بر جریان اقتصادی ایران در حوزه تولید به قرار زیر است؛ (۱) صنعت وابسته و عدم حمایت برنامه‌ریزی شده از تولیدگران داخلی، (۲) دخالت‌های شاه و نزدیکان وی در امور اقتصادی و عدم امنیت تولیدکنندگان، (۳) واردات محصولات زراعی و کاهش تولیدات بخش کشاورزی، (۴) ساختارهای اقتصادی شکننده و فاقد کارآمدی، (۵) اعطای معافیت‌های گمرکی و (۶) وابستگی شدید اقتصاد کشور به کالاهای سطحی و پیش افتاده خارجی.

نتیجه‌گیری

کالای ایرانی در بستر صنعتی شدن به سبک غربی رو به زوال و نابودی نهاد. در بخش صنایع دستی و تولیدات روستایی، اصلاحات ارضی و عدم حمایت از تولیدات خانواده‌های ایرانی که متناسب با نیازها و فرهنگ بومی ایرانیان بود، رفته رفته دامنه تولیدات کالاهای سنتی و دستی ایران کاسته شد و در نقطه مقابل، کالاهای خارجی وارد ایران شد. در عرصه کشاورزی، واردات بی‌رویه غلات و محصولات کشاورزی و بخش مهمی از تولیدات ایرانی زوال یافت. واردات برنج، گندم، پنیر و لبنیات و... با تعرفه‌های اندک گمرک منجر به کاهش توانایی تولیدکنندگان ایرانی شد. در عرصه صنعت، وابستگی به مهندسين خارجی و ترویج صنعت مونتاژ باعث کاهش توانمندی کارگران ایرانی در تولیدات صنعتی شد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که

برخی از شرایط و عوامل منجر به نابسامانی وضعیت تولید در رژیم پهلوی شده است که برخی از آنها عبارت از: اعطای معافیت‌های گمرکی، دخالت‌های شاه و نزدیکان وی در امور اقتصادی و عدم امنیت تولیدکنندگان، وابستگی شدید اقتصاد کشور به کالاهای سطحی و پیش افتاده خارجی، واردات محصولات زراعی و کاهش تولیدات بخش کشاورزی، صنعت وابسته و عدم حمایت برنامه‌ریزی شده از تولیدگران داخلی و ساختارهای اقتصادی شکننده و فاقد کارآمدی می‌باشد. بررسی دیدگاه‌های کارشناسان تاریخ انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که تمامی این مؤلفه‌ها باعث تضعیف اقتصاد ایران شده‌اند و روند وابستگی به اقتصاد بیگانه و عدم سیاستگذاری صحیح اقتصادی عاملی بوده‌اند که در دوران پهلوی اول و دوم، اقتصاد ایران نتواند به سوی استقلال پایدار اقتصادی گام بردارد و همین امر، اقتصاد ایران را تابع سیاست‌های اقتصادی نظام بین‌الملل و نوسانات اقتصادی جهانی می‌ساخت و کوچکترین دگرگونی در شاخص‌های جهانی اقتصاد، روند تولید ملی و سایر شاخصه‌های اقتصادی ایران را به شدت تحت تأثیر قرار می‌داد.

References

- Abrahamian, Ervand (2007), *Iran between two revolutions*, translated by Golmohammadi and Fattahi, Tehran Ney Publishing.
- Alavi, Mohammad Mehdi (2012), *An Analysis of National Production*, Tehran, Nazari Publications. (In Persian)
- Aliabadi, Saeed and Majid Qalandar (1397), *Challenges and Opportunities for Supporting National Production*, Tehran, Shane Publishing. (In Persian)
- Beitollahi, Rajab (2018), *National Production, Supporting Iranian Labor and Capital*, Tehran, Master Book Publications. (In Persian)
- Chegini, Mohammad (2017), "Trade Relations between Iran and Japan from the Beginning to the First Side", *Quarterly Journal of Foreign Relations History*, No. 70. (In Persian)
- customs of the Islamic Republic of Iran (2000), *Customs Knowledge*, Tehran, Deputy of Customs Plan and Program of the Islamic Republic of Iran. (In Persian)
- Fallah, Ali (2012), *the role of cultural industries in the prosperity of Oleid Melli*, Comprehensive University of Applied Sciences, Islamic Propaganda Organization. (In Persian)
- Haziri, Ali Ghasemi, Fereydoun (2016), *The Islamic Republic of Iran from Bazargan to Rouhani*, edited by Sirus Razghipour, London, H&S Publications. (In Persian)
- Hosseini, Hamidreza (2007), "Second Pahlavi and the Transition from Pre-Capitalist Agriculture", *Sarmayeh*, 3rd of Shahrivar. (In Persian)
- Ishaqi, Seyed Hossein (2012), *National Production Mechanisms: Capacities, Opportunities and Threats*, Qom, Hajar Publishing Center (affiliated to the Sisters Seminary Management Center). (In Persian)

- Islamic Propaganda (2012), Cultural Strategies in the Path of National Production, Mashhad, Quds Razavi Publications. (In Persian)
- Islamic Revolutionary Documentation Center(2018), "A Look at the Economic Record of the Pahlavi Regime", Special Power Package Letter (Electronic Journal of the Islamic Revolutionary Documentation Center, Bahman, No. 4. (In Persian)
- Jaseb Nikfar ,hasan Aliyari (2018) "Understanding the Downfall of the Bureaucratic Authoritarian State in the Government of Mohammed Reza Pahlavi," the state studies quarterly, Volume 3, Issue 12. (In Persian).
- Keddie, nikki (1981), roofs of Revolution, Yale University.
- kiomars heydari ,vahid moradi (2014) "Assessment of relationship between self-esteem and psychological empowerment in the Islamic Republic of Iran Army commanders", journal of military science and tactics, Volume 9, Issue 26. (in Persian)
- Latifi, Seyed Ruhollah (2016), "Semi-marginal and dependent economics, the product of foreign policies centered on the Pahlavi", Kayhan, February 11. (In Persian)
- Mardani, Mohammad Hossein (2013), "National Production, the Key to Realizing Economic Progress with an Islamic-Iranian Approach",islamic iranaian progress model, Volume 2, Spring and Summer, No. 3. (In Persian)
- mohammad ali akbari: muhammadhassan pourghanbar (2017), Impact of Second Pahlavi Government Modernization Program on Family Economic Functioning In urban areas of Iran(Forty-fifties decades), pazohes name ejtemai va eghtesadi Volume 6, Issue 1. (In Persian)
- Mohammad and Mohammad Fekri, "The Oil King: Oil and the Fall of the Pahlavi Regime", Iranian Journal of Social Studies, Volume 10, Spring, No. 1. (in Persian)
- National Honor in the Light of National Production from the Perspective of Verses and Traditions, Mashhad, Published Astan Quds Razavi Publications. (In Persian)
- Nejati, Gholamreza (2008), Twenty-five-year political history of Iran, Volume I, Tehran, Rasa. (In Persian)
- Noshirvani, Vahid (2010), "Trade in the Pahlavi Period" in Trade in the Islamic World, by Hossein Mirjalili et al., Tehran, reference book publication. (In Persian)
- Parkhideh, Ahmad (2012), "Iran's Economic Situation during the Second Pahlavi Era", World of Economics, October 7. (In Persian)
- Qaradaghi, Ali and Akbar Hashemzadeh (2016), Laws and Regulations for Supporting National Production, Tehran, Rahnavard Mehr. (In Persian)
- Samiei Isfahani Alireza , Aaliye Abbasi(2018), "Rantier State and the Challenges of State-building in the Second Pahlavi Era (1332-1357)", Political and International Approaches , Vol. 9, No. 3 (in Persian)
- Sarlak, Reza (2005), "Land Reforms; A Study of the Agricultural Situation in the Second Pahlavi Period", Quarterly Journal of Political and Economic Information, April and May, No. 211 and 212. (In Persian)
- Shamsini Ghiasvand, Hassan (2003), "Pahlavi II Economic Strategies ", Zamaneh Monthly, No. 17. (In Persian)
- Talib, Mehdi and Musa Anbari (2006), "Reasons for the failure of the development planning system in Iran in the second Pahlavi era", Social Sciences Letter, Volume 27, Issue 27. (In Persian)
- Tehran Economist, December 30, 1977.
- The growth of capitalist relations in Iran, Tehran, Andisheh shole. (In Persian)

- Vashmeh Ali, Soheyla Torabifarsani, Naser Jadidi (2017) "Economic Policies of the Second Pahlavi regarding Industry, with an Emphasis on the Relations between Iran and Germany (1961-1978)" the state studies quarterly, journal of historical reaserches, Volume 9, Issue 3 - Serial Number 35. (in Persian)
- Writers Collection (2017), how do national production cycles move? Transition of national production from super challenges, Tehran, Didman Publishing. (In Persian)
- Yazdani Mohammad Reza; Asadollah Ghasri; Zinalabedin Nikmaram (2011), Development Planning: A Study of Economic Development Strategy in the Fifth Development Plan (1973-1977)", Quarterly Journal of Political and International Research, Volume 3, Issue 8. (In Persian)
- Zahedi, Ardeshir (2002), Unspoken Secrets, Tehran, Beh Afarin Publications.